مقاله انتخابى

علم و آگاهى

حمزه نظرپور, شماره اشتراك1725, از مسجد سليمان

مقدمه

علم در لغت به معناى دانستن, يقين كردن, معرفت و شناخت, و جمع آن, علوم است.

طلب علم يكى از ويژگى هاى انسان و با ديدى عميق تر, وجه تمايز او با حيوانات است. ما انسان ها در تمام مراحل زندگى به سلاح علم و آگاهى نيازمنديم تا به كمك آن, سربازان جهل و نادانى را از پا درآوريم و مسير خود را به طرف هدف صحيح و سالم بپيماييم.

علم از ديدگاه اسلام

دين اسلام, علم را چراغ عقل, زينت اغنيا و جمال فقرا و بهترين هدايت مى داند. هيچ گنجى را نافع تر از علم نمى داند. روايات فراوانى درباره اهميت علم و عالم وارد شده است كه در اين صفحات محدود نمى توان به آن ها اشاره كرد و به ذكر تعدادى از اين احاديث اكتفا مى شود.

ـ (اَلعلمُ يَدُلُّ على العقل, فَمَن عَلِمَ عَقَلَ;1 دانش دلالت مى كند بر عقل, پس هركس كه علم دارد, عقل دارد.)

ـ (اُطلُبُوا العلمَ تَرشدوا;2 علم را بياموزيد تا راه درست را بيابيد.)

ـ پيامبر(ص) فرمود: (العلم رأس كل خير والجهل رأس كل شر;3 دانايى سرآمد همه خوبى ها و نادانى سرآمد همه بدى ها است.)

اسلام, رشد دين را در علم آموزى و عمل به آن مى داند. امام على(ع) مى فرمايند: (اى مردم بدانيد كه كمال دين در طلب علم و عمل به آن است. آگاه باشيد كه علم بر شما از طلب مال لازم تر است.)4

آيات قرآن نيز اهميت فراوانى براى علم قائل است. خداوند بزرگ در آيه اى علم را سبب خلقت عالم معرفى مى كند5 و در آيه اى ديگر آن را اولين درجه شرافت قرار مى دهد.

با يك نگرش كلى به قرآن درمى يابيم كه خداوند پنج موهبت را مخصوص علما قرار داده است:

1. ايمان: (والراسخون فى العلم يقولون آمنّا به;6 و آنان كه قدم در دانش استوار كرده اند, مى گويند: ما بدان ايمان آورديم.)

2. توحيد: (شهد اللهُ اَنَّه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم…;7 الله حكم كرد ـ و فرشتگان و دانشمندان نيز ـ كه هيچ خدايى برپاى دارنده عدل جز او نيست.)

3. گريه و اندوه: (اِنَّ الذين اوتوا العلم… ويَخرّون للاذقان يبكون;8 آنان كه پيش از اين دانش آموخته اند… به رو درمى افتند و مى گريند.)

4. خشوع: (…ويزيدهم خشوعا;9 آنان كه پيش از اين دانش آموخته اند, بر خشوعشان افزوده مى شود.)

5. خشيت: (انّما يَخشى الله مِن عبادهِ العلماء;10 هرآينه از ميان بندگان خدا تنها دانشمندان از او مى ترسند.)

دانش هاى واجب

با توجه به اهميت علم و دانش و فراگيرى آن و مقام و منزلت دانشمندان و علم آموزان, اين سؤال مطرح است كه دانش هاى واجب كدام اند و علم از ديدگاه اسلام چه علمى است؟

در پاسخ بايد گفت: به طور مسلّم, منظور علمى است كه رضاى خدا در آن باشد و نفع آن به مردم برسد. از ديدگاه شهيد مطهرى(ره): فريضه علم از هر جهت تابع ميزان احتياج جامعه است; يعنى هر علمى كه جامعه اسلامى محتاج آن است و باعث پيش رفت جامعه اسلامى مى شود, آموختن آن واجب و لازم است.

امام موسى كاظم(ع) فرمودند: (اولى العلم بك ما لايصلح لك العمل الا به;11 بهترين علم براى تو آن علمى است كه سامان نمى گيرد عمل تو مگر به آن علم).

امام على(ع) در ضمن وصاياى خود به امام حسن(ع) فرمودند: (… ابتدائك بتعليم كتاب الله عزّوجل وتأويله وشرائع الاسلام واحكامه وحلاله وحرامه, لااجاوز ذلك لك الى غيره;12 … و اين كه نخست تو را كتاب خدا بياموزم و تأويل آن را به تو تعليم دهم و شريعت اسلام و احكام آن را از حلال و حرام بر تو آشكار سازم و به ديگر چيز نپردازم.)

آيا علم با دين منافات دارد؟

يكى از مسائل مهم و مطرح در جوامع امروزى خصوصاً در جامعه ما, رابطه علم و دين است. بيان رابطه ميان علم و دين نزد دانشمندان اسلامى و صاحب نظران اهميت خاصى دارد و آنان نظرهاى متفاوتى در اين باره داده اند. عده اى قائل به تداخل و عدم تنافى هستند, برخى قائل به تعارض و بعضى نيز معتقد به تمايز و جدايى بين آن دو هستند; اما از نظر ما مسلمانان و شيعيان بين علم و دين هيچ گونه تعارضى وجود ندارد و اين دو مكمل و متمم يك ديگرند.

دو ركن از اركان مهم انسانيت, دين و علم است. شهيد مطهرى مى فرمايد: (علم به ما روشنايى و توانايى مى بخشد و ايمان عشق و اميد و گرمى, علم ابزار مى سازد و ايمان مقصد, علم سرعت مى دهد و ايمان جهت, علم توانستن است و ايمان خوب خواستن, علم مى نماياند كه چه هست و ايمان الهام مى بخشد كه چه بايد كرد.)13

اولين آياتى كه بر پيامبر نازل شد, آيات سوره علق بود كه در آن جا به علم اشاره مى كند: (الذى عَلَّم بالقَلَم\* عَلَّمَ الانسانَ مالَمْ يَعلَم). آيات 38 تا 41 سوره يس كه اشاره به حركت خورشيد دارد, آيه 89 سوره نحل كه مشعر به حركت كوه ها و زمين است, آيه 22 سوره حجر كه اشاره به تلقيح گياهان به وسيله بادها و گردافشانى دارد و نمونه هاى ديگر همه از رابطه تنگاتنگ علم و دين حكايت مى كند.

راه هاى موفقيت در كسب علم و دانش

راه عالم شدن چيست و چگونه مى توان در كسب دانش موفق و پيروز شد؟

در اين زمينه راه كارهايى وجود دارد كه اگر دانش پژوه به آن ها ملتزم شود, حتماً موفق مى شود. يكى از مسائلى كه اساتيد اخلاق توصيه مى كنند و در واقع مرحله اول در كسب موفقيت به شمار مى رود, ترك گناه است; يعنى تزكيه نفس و پرهيزگارى از محرمات. اگر گناه كار باشيم, خداوند قلب ما را ظرف براى علم ناب قرار نمى دهد, چرا كه: (العلم نور يَقذِفُهُ الله فى قلب مَن يشاء).

علاوه بر موارد ذكر شده, به طور كلى مراحلى براى كسب موفقيت در علم آموزى وجود دارد كه به بيان آن ها مى پردازيم.

1. پيش مطالعه: دبيران پرورشى و مربيان مشاور هميشه توصيه كرده اند كه دانشجو بايد قبل از رفتن به كلاس, درس جديد را مطالعه كند تا حدودى با زواياى مختلف درس آشنا شود.

2. درس استاد: دانش آموز در كلاس بايد تمام حواس خود را جلب معلم و استاد كند تا درس او را خوب ياد بگيرد. البته نبايد انتظار داشت كه تمام درس را در كلاس ياد بگيرد, چراكه بسيارى از نكات مبهم درس را در مطالعه بعدى مى توان رفع كرد.

3. مطالعه بعد از درس: بر علم آموز لازم است براى بهتر ياد گرفتن درس استاد, مطالعه و تمرين هاى آن را حل كند. حتى چند كتاب ديگر را براى فهم بيشتر درس و كسب اطلاعات مهم تر و بهتر مطالعه كند و در صورت لزوم خلاصه و چكيده بردارى كند.

4. مباحثه: مباحثه, يكى از مراحل مهم و اساسى در يادگيرى درس است. البته اين مرحله بيشتر در حوزه هاى علميه اجرا مى شود. اما چه خوب است دانش آموزان و دانشجويان نيز مباحثه را جدى بگيرند, زيرا مباحثه يادگيرى را تقويت مى كند به طورى كه درس مطالعه شده براى علم آموز كاملاً حلاجى مى شود و به صورت ملكه درمى آيد.

راه هاى ترغيب و تشويق به علم آموزى

از جمله مسائل مهمى كه مراكز آموزشى و خانواده ها با آن روبرو هستند, چگونگى تشويق فرزندان به علم آموزى و مطالعه است.

اولين نكته اى كه نبايد فراموش شود, ايجاد علاقه و ميل به سوى كتاب است. در سنين كودكى كه غالب رفتارهاى كودك تقليدى است, اهل مطالعه بودن والدين نقش بسزايى در تشويق و ترغيب كودكان به مطالعه دارد كه ثمره آن در دوران نوجوانى و جوانى كه ايام تحصيل آنان است, ظاهر مى شود.

(به طور كلى, الگوى مطالعه در خانواده, كتب و منابع قابل دسترسى براى اعضاى خانواده و ديدگاه ها و طرز تلقى اعضاى خانواده در رابطه با يادگيرى و آگاهى از دنياى اطراف, در پى ريزى عادت مطالعه مؤثرند.)14

براى تشويق و ترغيب افراد به مطالعه راه هايى وجود دارد كه به بعضى اشاره مى كنيم.

1 . هدايت به سوى كتاب خانه: مطالعه درس در كتاب خانه به دليل وجود فضاى مطالعه كه سكوت و پرهيز از كارهاى جنبى و غيرمتناسب با محيط كتاب خانه جزء ضروريات آن است, فرزندان را به مطالعه تشويق مى كند.

2. اهداى جايزه: در خانه, والدين و در مدرسه, معلمان مى توانند به كمك اهداى جايزه, دانش آموزان را تشويق به مطالعه كنند. جايزه دادن به دانش آموزى كه درس را به خوبى ياد گرفته, انگيزه مطالعه را در ساير دانش آموزان تقويت مى كند. والدين نيز مى توانند از همين روش در ترغيب فرزندانشان به مطالعه استفاده كنند.

3. برگزارى مسابقات كتاب خوانى: مسابقات كتاب خوانى هم در تشويق افراد به مطالعه و كتاب خوانى مؤثر و هم از اين طريق, سطح معلومات آنان ارتقا مى يابد. در آلمان هر سال به مناسبت هفته كتاب كودكان, مسابقه كتاب خوانى در سطح ملى برگزار مى شود, كه طبق آمار و ارقام تهيه شده از اينترنت, حدود 380000 نفر دانش آموز در سطوح محلى در اين مسابقات شركت مى كنند.

4. گسترش سيستم كتاب خانه اى: ساخت كتاب خانه هاى تخصصى, تحقيقاتى و عمومى در كشور به طورى كه افراد جامعه به راحتى دسترسى به كتاب خانه داشته باشند, در تبليغ و ترويج فرهنگ مطالعه بسيار مؤثر است. براساس آمار و ارقام يك سوم جمعيت كشور فنلاند عضو كتاب خانه هاى عمومى هستند و به طور كلى رشد كتاب خانه هاى فنلاند شگفت انگيز بوده است. هريك از 518 بخش فنلاند داراى يك كتاب خانه عمومى است. در مجموع 2600 كتاب خانه فعال هستند و 140 كتاب خانه سيار نيز در مناطق روستايى, آماده ارائه خدمات مى باشند.

علل عقب ماندگى جوانان از تحصيل (اُفت تحصيلى)

افت تحصيلى و ترك تحصيل يكى از مشكلات بزرگ مراكز آموزشى و به طور كلى جامعه ما است.

اگر كمى دقيق تر به موضوع بنگريم, به اين نتيجه مى رسيم كه افت تحصيلى غالباً با دوران بلوغ نوجوان و بيدار شدن بعضى غرايز طبيعى و بحران هاى بلوغ هم زمان است, كه متأسفانه به دليل ناآگاهى بعضى والدين با دوران بلوغ و پيامدهاى آن, مشكلاتى را به وجود مى آورند و همين امر بر ميزان افت تحصيلى فرزندان مى افزايد.

ييكى ديگر از عوامل افت تحصيلى و احياناً ترك تحصيل جوانان, انتخاب دوستان ناباب است. اگر نوجوانان و جوانان در اين زمينه آگاهى لازم را نداشته باشند و از طرفى والدين نيز بر اين كار مواظبت نكنند, ممكن است نوجوانان با افراد ناباب طرح دوستى بريزند و در نتيجه اين دوستى درس و تحصيل را رها كنند.

آيا اسلام محدوديتى در كسب علم و دانش دارد؟

پاسخ اين سؤال از نوشته هاى قبل روشن مى شود; بدين معنا كه وقتى اسلام تا اين حد بر كسب علم و دانش و عالم و دانشمند اهميت قائل است, پس به طريق اولى هيچ محدوديتى در كسب علم قائل نيست.

شهيد مطهرى(ره) در تفسير حديث: (اطلبوا العلم ولو بالصين) مى فرمايد: (اين حديث مى گويد: تحصيل علم, جا و مكان معيّن ندارد, همان طور كه وقت و زمان معيّن ندارد… هركجا كه علم هست, آن جا جاى تحصيل و به دست آوردن است.)15

از اين حديث مى توان نتيجه گرفت كه مهاجرت و مسافرت براى تحصيل علم بسيار ارزش مند است و مرگ در اين راه نيز قطعاً اجر و پاداش دارد. قرآن مى فرمايد: (وَمَن يَخرج مِن بيته مهاجراً الى الله ورسوله ثم يُدركهُ الموتُ فقد وقع اجرُه على الله;16 و هركس از خانه خويش بيرون آيد تا به سوى خدا و رسولش مهاجرت كند و آن گاه مرگ او را دريابد, مزدش بر عهده خدا است.)

پى نوشت ها:

1ـ كلام جديد, عبدالحسين خسروپناه, مركز مطالعات فرهنگى حوزه علميه, ص359.

2ـ هداية العلم, ج2, ص992.

3ـ همان, ص994.

4ـ به نقل از: گفتار فلسفى, بزرگسال, ج2, ص102.

5 ـ ميزان الحكمه, ج6, ص448, ماده علم.

6 ـ مجادله(58) آيه 11.

7ـ آل عمران(3) آيه7.

8 ـ همان, آيه 18.

9ـ اسراء(17) آيه107 و109.

10ـ همان, آيه 109.

11ـ محجةالبيضاء, ج3, ص13.

12ـ ميزان الحكمه, همان, ص529, ماده علم.

13ـ مجموعه آثار, ج2, ص32.

14ـ والف استيگر, راه هاى تشويق به مطالعه, ترجمه پروانه سپرده, ص24.

15ـ ده گفتار, ص133 و134.

16ـ نساء(4) آيه 100.